

دکتر موللی گرامی!

سوالاتی دارم که چون در حوصله و گنجایش پرسش و پاسخ های مختصر نمی گنجد ، برایتان mail می کنم. اگر آن ها را مفید یافتید ، آن ها را در قالب سوالات بنده و جواب های خودتان در قسمت " مقالات شما " درج فرمایید. اولین سوالم که از خلال مطالعات راجع به فروید و لکان هنوز یا جوابی برایش نیافته ام ، نقش مذهب و بخصوص عرفان در آراء آن هاست. تلقی ظاهری و عامیانه از این دو شخصیت بزرگ آن است که آن ها موضعی ضد مذهب دارند. اما لکان در مجلس یازدهم (از "تبیین مفاهیم اساسی روانکاوی") حساب مذهب بدوی را از مذهب زنده (ص 10 ترجمه ی شما از این مجلس) جدا می کند و حتی تمایزی بین جستجو و تحقیق از سوئی و یافتن و انکشاف از سوی دیگر قائل می شود. (در ص 11) که بلافاصله دوگانه ی عرفانی "تعقل / شهود" را به یاد می آورد و بعد هم ارتباطی بین هرمنوتیک و مذهب و روانکاوی برقرار می کند. (ص 12) به نظر می رسد در تقابل با نظرگاه پوزیتونیستی ، رویکرد متفاوتی به مذهب و خاصه عرفان مطرح می شود که دقایق آن از نظر من پنهان است. دوست داشتم اگر فرصتی می داشتید در این مورد بحث مفصل تری داشته باشید یا دست کم ضمن یک بحث حداقلی ، منابع و مراجعی هم به زبان فارسی معرفی می کردید. حتی در صفحه 15 لکان از صبغه مذهبی مفاهیم فرویدی سخن می گوید و صفحه 16 این پرسش را مطرح می کند که آیا روانکاوی یک علم است؟

سوال دیگرم راجع به امکان تطبیق مفهوم آرزومندی مورد نظر لکان با اراده معطوف به قدرت نیچه است. آیا این دو مفهوم در تحلیل نهایی یکی نیستند؟

نکته جالب دیگر سخن گفتن از یک ذهنیت بدوی ما قبل هر نوع تجربه است که مثل مقولات کانتی نوعی ساختار پیشینی را به ذهن انسان تحمیل می کند که در تحلیل مفهوم "توتم" لوی استروس توجه لکان را جلب کرده است . بنده یک بررسی بر روی زبان سهراب سپهری تحت عنوان "تکلم بدوی" کرده ام که برایتان می فرستم و فکر می کنم ارتباطی بین این ذهنیت بدوی و آن تکلم بدوی وجود دارد که نهایتاً در تحلیل رویکرد عرفانی به کار خواهد آمد . مایلم نظر شما را در این باب بدانم .

و سؤال دیگر : لکان می گوید در مفهوم ضمیر ناآگاه فرویدی شکافی و ابهامی و ظلمتی وجود دارد که بدان رنگ و بوی مذهبی می دهد آیا لکان می خواهد بگوید با تقلیل مفهوم فرویدی نا آگاه به ساحت زبان و انتقال آن به ساحت سمبولیک به رفع این ابهام و تدقیق آن کمک کرده است ؟